

سال ششم شماره ۶۰ مهر ۱۳۸۹ برابر با اکتبر ۲۰۱۰

تبدیل

ماهنامه



استوره

ایمان

برادر ست یقنظر



شفای خواست و اراده خدا



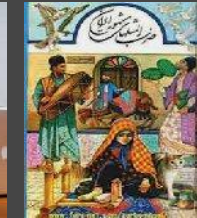
طیب محبوب من

تاریخ شمار انبای مسیحین

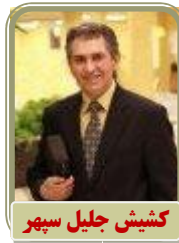


شیطان کیست؟

۷ راه کامیابی



روزی، گرگی در دامنه کوه متوجه یک غار شد که حیوانات مختلف از آن عبور می کنند. گرگ بسیار خوشحال شد و فکر کرد که اگر در مقابل غار کمین کند، می تواند حیوانات مختلف را صید کند. بدین سبب، در مقابل خروجی غار کمین کرد تا حیوانات را شکار کند. روز اول، یک گوسفند آمد. گرگ به دنبال گوسفند رفت. اما گوسفند سرعت پا به فرار گذاشت و راه گریزی پیدا کرد و از معرکه گریخت. گرگ بسیار دستپاچه و عصبانی شد و سوراخ را بست. گرگ گمان می کرد که دیگر شکست نخواهد خورد. روز دوم، یک خرگوش آمد. گرگ با تمام نیرو به دنبال خرگوش دوید اما خرگوش از سوراخ کوچک تری در کنار سوراخ قبلی فرار کرد. گرگ سوراخ های دیگر را بست و گفت که دیگر حیوانات نمی توانند از چنگ من بگریزند. روز سوم، یک سنجاب کوچک آمد. گرگ بسیار تلاش کرد تا سنجاب را صید کند. اما سرانجام سنجاب نیز از یک سوراخ بسیار کوچک فرار کرد. گرگ بسیار عصبانی شد و کلیه سوراخ های غار را مسدود کرد. گرگ از تدبیر خود بسیار راضی بود. اما روز چهارم، یک ببر آمد. گرگ که بسیار ترسیده بود بلافاصله به سوی غار پا به فرار گذاشت. ببر گرگ را تعقیب کرد. گرگ در داخل غار به هر سویی می دوید اما راهی برای فرار نداشت و سرانجام طعمه ببر شد.



کشیش جلیل سبهر

آپنه که می گوید همان را تولید می کند
 سلیمان حکیم در فصل ۱۸ آیه ۲۱ کتاب امثال خود میفرماید: **مرگ و هیات در قدرت زبان است، و آثانی که آن را دوست می دارند میوه اش را فوآهند فور.**
 مفلتا مردی که معروفترین و حکیمترین پادشاه در زمان هیات خودش بوده است این حقیقت را به خوبی کشف کرده بود. او می دانست بعد از خدا همه چیز به خود آدمی بستگی دارد. آنچه را که او میگوید همان را درو فوآهر کرد.
 این حقیقت در مورد نباتات ما از گناه نیز صادق است؛ پنانپه در رساله به رومیان فصل ۱۰ آیات ۹ و ۱۰ آمده است: **اگر به زبان خود عیسی فداوند را اعتراف کنی و در دل خود ایمان آوری که خدا او (مسیح) را از مرگران برپزاید، نبات فوآهی یافت. چونکه به دل ایمان آورده میشود برای عدالت و به زبان اعتراف میشود بیعت نبات.**
آری اعتراف ما به فداوندی مسیح و این که او کفاره گناهان ما شد باعث نبات ما میشود.
 چه زیبا یعقوب به ما می آموزد که اگر کسی در سخن گفتن تلفزه او مرد کامل است و میتواند عنان تمام پسر خود را بکشد. این عضو کوچک بدن ما یعنی زبان است که سر نوشت ما را تعیین میکند! این واقعیت درباره زبان در هر چیز دیگری نیز صدق میکند. در واقع یک حقیقت مضمّن است که کلام شما چه منفی چه مثبت بزر شماسست. در شنونرگاتان آنچه که فوآرتان هستییر را تولید میکند. کلمات شما تفم شماسست که در مردم شفصیت کلام را پوآور می آورد. اگر این عارت را داشته باشید که درباره داوروی و معلومیت صصیت کثیر افرادی را تولید می کنییر که شما را داوروی و معلوم کنند. اگر انتقار کوی را به دیگران اعلام کنییر افرادی را درو میکند که برمیفیزند و از شما انتقار می کنند. هر آنچه در فکر شنونرگان و فانوارگان خود میکلایر شفا آن را درو می کنییر. این قانون را غیر ممکن است که نفی کرد.
 در آفر صادقانه از شما دعوت میکنم تا از خود فوآ سوال کنییر؛ من چگونه زبان خود را بکار میبرم؟
 نس آتولیس، اکتبر ۲۰۱۰
 النانان باغستان



ماهنامه تبدیل
 صاحب امتیاز و مدیر مسئول: النانان باغستان
 ویرایش: نازنین باغستانی
 طرح روی جلد: النانان باغستانی
 ناشر: سازمان خدماتی ایران برای مسیح
 خواهنشدم که جهت دریافت نسخه الکترونیکی و چاپی ماهنامه تبدیل، فرم اشتراک مربوطه را پر کرده و به آدرس ما ارسال نمایند.
 آدرس ماهنامه:
Iran for Christ Ministries
 P. O. Box: 371043 Reseda, CA 91337 USA
 تلفن تماس: ۱۵۲۵ - ۵۲۲ (۸۱۸) و ۸۰۰۰ - ۶۸۱ (۹۴۹)
 Tabdil@IRANforCHRIST.com
 www.SimaMasih.com
 www.Tabdilmagazine.blogfa.com
 این ماهنامه حق دارد که مقالات و آگهی ها را چاپ کرده و یا رد کند.
 We have the right to refuse publishing.

پخش زنده برنامه تلویزیونی سیمای مسیح هر دوشنبه ساعت ۹:۳۰ صبح به وقت لس آنجلس در شبکه محبت آدرس اینترنتی: www.SimaMasih.com

هدایای مالی شما باعث طرفی ماهنامه تبدیل خواهد بود. برای رفاه حال شما عزیزان سرویس کارتهای اعتباری نیز فراهم می باشد. کمک مالی شامل معافیت مالی خواهد بود.

سجده در مقابل شیطان
 خدا میگوید که میخواد تو یا بنشی سر به سنگها نزاری جدا بنشی به حقیقت سردهی نه به سنگ به حقیقت بخونی نه به په مکر سر تو جلوی شیطان خم نکن دستاتو جلوی اون بلند نکن صبح او ظهرسجده نکن برای اون اخروش مرگ دینی در راهای اون غم میاره اشک میاره از طرفهای شیطان زمون. خدا میگه: زین به بد پیشونیت نشان زسنگها نباشه مژه من با خون بره روی پیشونیت باشه نمیرد هرگز دگر این جان تو خاک نباشد بستر شبهای تو غم نباشد وصله جانو تنت خیس نکن با اشک ماتم پیرهننت صحت شیرین من را گوش گیر پسر محبوب من در آغوش گیر مژه شود از خون بره جان توایدیت مهمانه فرداک تو صحت شیرین منرا گوش گیر چشم به دنیا ندوز با من بنشین عاقبت اجرت دهم هر روز و شب صحتیم برای تو شود په ره نورخورشید زمین برات کم است از نورم تمام عالم روشن است سپر است خون مسیح برای تو چون دزی محکم باشد پناه تو صحتیم باشد همیشه راه تو گم نشی در راه دنیا باز تو حکمتم را میدهم تا که بگی چو مسیح آمد شد رابط تو گر نبود آتش دنیا جای تو چو آمد باغ او گلستان جای تو قفل زندونهای این مرگ شنکست اون بهت داد تو تا بال برای خود اسم بالها رو یکی شو روح گذاشت دیگری رو میدونید اسم خودش بود که گذاشت اون میخواد به تن کنی بالهای اون برسی به مقصد منظور اون به زمین تو وصل ناشی به پری به آسمون عاقبت که سر نزاری تو به سنگهای زمون

آپنه که می گوید همان را تولید می کند
 سلیمان حکیم در فصل ۱۸ آیه ۲۱ کتاب امثال خود میفرماید: **مرگ و هیات در قدرت زبان است، و آثانی که آن را دوست می دارند میوه اش را فوآهند فور.**
 مفلتا مردی که معروفترین و حکیمترین پادشاه در زمان هیات خودش بوده است این حقیقت را به خوبی کشف کرده بود. او می دانست بعد از خدا همه چیز به خود آدمی بستگی دارد. آنچه را که او میگوید همان را درو فوآهر کرد.
 این حقیقت در مورد نباتات ما از گناه نیز صادق است؛ پنانپه در رساله به رومیان فصل ۱۰ آیات ۹ و ۱۰ آمده است: **اگر به زبان خود عیسی فداوند را اعتراف کنی و در دل خود ایمان آوری که خدا او (مسیح) را از مرگران برپزاید، نبات فوآهی یافت. چونکه به دل ایمان آورده میشود برای عدالت و به زبان اعتراف میشود بیعت نبات.**
آری اعتراف ما به فداوندی مسیح و این که او کفاره گناهان ما شد باعث نبات ما میشود.
 چه زیبا یعقوب به ما می آموزد که اگر کسی در سخن گفتن تلفزه او مرد کامل است و میتواند عنان تمام پسر خود را بکشد. این عضو کوچک بدن ما یعنی زبان است که سر نوشت ما را تعیین میکند! این واقعیت درباره زبان در هر چیز دیگری نیز صدق میکند. در واقع یک حقیقت مضمّن است که کلام شما چه منفی چه مثبت بزر شماسست. در شنونرگاتان آنچه که فوآرتان هستییر را تولید میکند. کلمات شما تفم شماسست که در مردم شفصیت کلام را پوآور می آورد. اگر این عارت را داشته باشید که درباره داوروی و معلومیت صصیت کثیر افرادی را تولید می کنییر که شما را داوروی و معلوم کنند. اگر انتقار کوی را به دیگران اعلام کنییر افرادی را درو میکند که برمیفیزند و از شما انتقار می کنند. هر آنچه در فکر شنونرگان و فانوارگان خود میکلایر شفا آن را درو می کنییر. این قانون را غیر ممکن است که نفی کرد.
 در آفر صادقانه از شما دعوت میکنم تا از خود فوآ سوال کنییر؛ من چگونه زبان خود را بکار میبرم؟
 نس آتولیس، اکتبر ۲۰۱۰
 النانان باغستان

AfghanSearch.com
 Your Search Ends Here...

مرا بخوان ...
 و ترا اجابت خواهیم نمود ...
 (اسلام: ۲۰۱۳)

راديو مژده
 پخش زنده ۲۴ ساعته برنامه های مسیحي در خدمت فارسی زبانان عزیز
 www.RADIOMOJDEH.COM
ماهواره
 هابنید، در ۱۳ درجه شرقی
 فرکانس: ۱۱۰۱۳
 افقی
 نمیمیل ریت: ۲۷۵۰۰
 HOTBIRD AT 13° EAST
 FREQUENCY: 11013
 HORIZONTAL
 SYMBOL RATE: 27500

راديو مژده، راديو مسیحي، هر روزه در بازه عیسی مسیح، که کلمه حیات است و می تواند به شما امید و آرامش و رنگاری ابدی عطا کند، به زبان فارسی تعلیم می دهد.

تاریخ شمار ابتدای مسیحیت



۳۳ میلادی: در این سال عیسی مسیح از سوی مقامات رومی که آموزه‌های او را تهدیدی علیه خود می‌پنداشتند، مورد محاکمه قرار گرفت و مصلوب گردید.

۳۷ میلادی: پولس اهل طرسوس (یکی از شهرهای یونان قدیم)، با دیدن رویایی در جاده دمشق، به دین مسیحیت می‌گردد و مأموریت خود را برای تشریح مسیحیت به غیر یهودیان، آغاز می‌کند.

۴۲ میلادی: شمعون ملقب به پطرس (از حواریون مسیح) نخستین جامعه مسیحی را بنیانگذاری می‌کند.

۶۴ میلادی: مسیحیان به خاطر آتش سوزی شهر رُم مورد اتهام قرار گرفتند. امپراتور نرون طی تلاشی برای بدست آوردن مجدد محبوبیت خود، آنانرا مورد شکنجه و آزار قرار می‌دهد. پطرس قدیس (سنت پتر) در این زمان کشته می‌شود.

۷۰ میلادی: رومیان اورشلیم (بیت المقدس) را پس از شورش یهودیان بر علیه حکومت آنان، شدیداً تخریب می‌کنند. بسیاری از یهودیان از اورشلیم اخراج می‌شوند. مسیحیان در این شورش علیه رومیان شرکت نمی‌کنند. رُم به مرکز حرکت‌های رو به رشد مسیحی تبدیل می‌شود.

۳۰۱ میلادی: تیرداد یکی از پادشاهان ارمنستان، در سال ۳۰۱ میلادی دین مسیحیت را در سرزمین ارمنستان رسمی و آزاد اعلام می‌کند و این در حدود ۱۲ سال زودتر از رسمی شدن دین مسیحیت در امپراتوری روم است.

۳۰۴ میلادی: جوامع مسیحی در اطراف مدیترانه به صورت گروه‌هایی جمع شده و از آنجا تا بریتانیا و دره نیل در مصر، رفتند.

۳۱۳ میلادی: به سبب پشتیبانی امپراتور کنستانتین، مسیحیت خیلی سریع در امپراتوری رُم رشد کرد.

۳۲۵ میلادی: اولین گردهمایی رهبران کلیسای مسیحیت برای تبیین عقاید مسیحیت و سازماندهی جامعه مسیحیت در نقیه تشکیل شد. اعتقادنامه حواریون با اعتقاد نامه نقیه (مجموعه‌ای از باورهای پایه‌ای اعتقادی مسیحیان) نوشته می‌شود. بعد از تعریف و پذیرش این اعتقادنامه، فرقه‌ها و افرادی که الوهیت مسیح را نمی‌پذیرفتند (مانند آریوس) به عنوان بدعت شناخته شدند.

۳۳۰ میلادی: رُم جدید در بیزانس توسط کنستانتین، پایه گذاری و دوباره به کنستانتینوپول (استانبول کنونی)، نام گذاری شده و به عنوان پایتخت امپراتوری مسیحیت، ساخته می‌شود.

۳۸۱-۳۹۱ میلادی: در طول حکومت تئودوسیوس، مسیحیت به صورت دین رسمی امپراتوری رُم درمی‌آید. پیروان غیر مسیحی کافر و بدعت گذاری در مسیحیت (افکار مخالف دیدگاه‌های مسیحیت) غیر قانونی اعلام می‌شود.

کنستانتین

در سال ۳۱۲، کنستانتین در حالی که به طرف رُم می‌رفت تا آن را از رقیب پس بگیرد، اعلام کرد که نشان مسیحی را روی خورشید دیده‌است و جمله «شما با این علامت پیروز خواهید شد»، را به لاتین روی آن خوانده‌است. روی پُل میلوین بر روی رودخانه تیر، ارتش کنستانتین به پیروزی رسید. در مدت کوتاهی، مسیحیت به عنوان مذهب رسمی امپراتوری روم، جایگاه خود را تثبیت کرد. کنستانتین در سال ۳۲۵ شورای را در شهر نقیه دایر کرد که در آن نزدیک ۳۰۰ اسقف شرکت کردند. طی این شورا بررسی جامعی بر روی کتابمقدس (عهدتیق و عهدجدید) انجام گرفت. تلاشهای تحقیقاتی این شورا در نهایت منجر به استخراج مفاهیم پایه‌ای «ایمان مسیحی» گردید. این مفاهیم پایه تحت عنوان «اعتقاد نامه نقیه» منتشر و در دسترس عموم قرار گرفت.

مسیحیت در اروپا و امپراتوری رُم

بانی انتشار مسیحیت در اروپا پولس بود. این شخص که در ابتدا از مخالفین سرسخت مسیحیان بود و از مأمورین لایق دربار رُم در زمینه آزار مسیحیان بشمار می‌رفت، پس از برخورد فراطبیعی خود با مسیح (در سرجاده دمشق) کاملاً متحول گردید. او سپس پیرو مأموریتی که خود مسیح در همان برخورد به او محول نمود به جمع شاگردان مسیح پیوست و سفیر مسیح برای غیر یهودیان گردید. پولس رساله‌های خود را (نامه‌هایی به اقوام مختلف در شرح مسیحیت و ارتباط با نخستین کلیساها) بعد از صعود مسیح به آسمان نگاشت. در این نامه‌ها او عقاید کلی مسیحیت را در مورد فلسفه زندگی، مژده‌های آمدن مسیح پیش از ظهور او (کتاب عهدتیق)، تفاوت «ایمان» و «شریعت» (شریعت به مجموعه دستوراتی گفته می‌شود که خداوند برای نخستین بار در زمان موسی وضع نمود و آتراً تورات می‌نامند)، آموزه‌های مسیح در مورد محبت و سایر آموزه‌های اخلاقی، خداوند بودن عیسی ناصری (برابری با ذات خداوند) و مسائلی از این دست را بیان داشته‌است. بزرگترین حادثه‌ای که در قرن چهارم میلادی اتفاق افتاد، موضوع طرفداری کنستانتین امپراتور رُم از مسیحیان در سال ۳۱۳ میلادی بود.

شفا

اراده و خواست خدا

صف پیروزمندان



دکتر امیرحسین میرزایی

در نظر داشته باشید که در انجیل کلمه مرگ هیچوقت برای اشخاصی که در ایمان به مسیح فوت میکنند استفاده نشده است. انجیل نمی‌گوید که «اینها مرده‌اند» بلکه می‌گوید که «اینها در خوابند». یعنی چه؟ یعنی اینکه بدنهای فانی اینها کار خود را انجام داده‌اند و این ایمانداران خانه خود را از یک بدن فانی عوض کرده‌اند.

در رساله کولسیان فصل ۱۲ آیه ۱۵ می‌خوانیم: مسیح بر روی صلیب، تمام قدرتهای آسمانی و فرمانروایان را خلع سلاح کرد و بر آنها پیروز شد و آنها را پیش همه رسوا ساخت. پیروزی مسیح بر این قوای شیطانی پیروزی من و شما ایمانداران است- مسیح احتیاج نداشت بر این قوای روحانی پیروز شود چون او از ازل مافوق این قوا بود، اما او بخاطر ما، برای پیروزی ما این کار را کرد. وقتی مسیح از مرگ برخاست، ما در اتحاد با او هستیم، ما نیز از مرگ برخاستیم، رساله رومیان فصل ۶ ما بر مرگ پیروز شدیم، ما بر گناه و مرض پیروز شدیم. بعضی افراد سؤال می‌کنند که پس چرا بدنهای ما می‌میرند؟ جواب این است چونکه این خانه یعنی بدن فیزیکی ما فانی است و نمی‌تواند در غیر فانی زیست کند. خداوند برای همه ما ایمانداران بدنی که شبیه بدن خودش است فراهم کرده است و یکره‌وز وقتی کارمان در روی زمین به پایان رسیده، از این خانه به خانه روحانی خود منتقل می‌شویم. هر چقدر ما در مورد مرض و شکست خود صحبت کنیم، مشکلات ما قوت می‌گیرند، مرض قوت می‌گیرد. چرا که مسبب این مشکلات دشمن ماست و ما هر چقدر راجع به این مشکلات خود صحبت می‌کنیم دشمن خود را بزرگ کرده، اعتراف می‌کنیم که او بر ما پیروزی دارد. هر وقت ما راجع به ضعف خود صحبت می‌کنیم ضعفتر می‌شویم چرا که به ضعف خود قوت می‌دهیم. ما بایستی بفهمیم که اعتراف زبان ما خیلی تأثیر بزرگی در زندگی‌مان دارد. پس باید مواظب باشیم با زبان خود به چه چیز اعتراف می‌کنیم و چه چیز را در زندگی خود تقویت می‌کنیم، ضعف یا قوت، شفا یا بیماری؟ حضرت داوود در زمزم ۱۲۷ آیه ۱ می‌فرماید: *یهوه نور و نجات من است، از که بترسم؟ خداوند مرا از تمام خطرها حفظ می‌کند، هرگز هراسان نخواهم شد.*

در نظر داشته باشید که داوود چه می‌گوید: اگر خداوند قوت ماست پس ما چرا ضعف و ناتوانی را در زندگی‌مان اعتراف می‌کنیم؟ اعتراف ما بایستی مطابق کلام خدا باشد نه احساساتمان- کلام خدا ابدی است ولی احساس ما عوض می‌شود. امروز گرم هستیم و فردا سرد. ما نمی‌توانیم به احساسات خود تکیه کنیم. نگاه اکثر ایرانیها به امروز اینست: «من خسته شده‌ام... من بدبختم... من افسرده‌ام... من بیچاره‌ام!» و غیره. هر چقدر این عزیزان اینگونه اعتراف را حفظ میکنند، مطابق زبان خود برایشان می‌شود. یادتان باشد که خداوند عیسی مسیح در این مورد در انجیل مرقس ۱۱ آیه ۲۳ چه فرمود: *یقین بدانید اگر کسی به این کوه بگوید: حرکت کن و به دریا پرتاب شو و شک و شبه‌ای به دل راه ندهد، بلکه ایمان داشته باشد که هر چه بگوید می‌شود، برای او چنان خواهد شد. بگذارید اعتراف شما مطابق کلام و نه شرایط موقعیت تان باشد. یک ایماندار باید با ایمان به کلام زندگی کند و نه به اطمینان به زندگی و موقعیت خود! یک ایماندار به مسیح قادر به انجام هر کاری است، فیلیپان فصل ۱۴ آیه ۱۳. یک ایماندار نیکی مطلق خداست، دوم قرنتیان فصل ۵ آیه ۱۱. یک ایماندار خلقت تازه‌ای است، دوم قرنتیان فصل ۵ آیه ۱۷. یک ایماندار همیشه در مسیح پیروز است، رساله دوم قرنتیان فصل ۲. یک ایماندار از تمام برکات آسمانی بهره‌مند است، افسسیان ۱ آیه ۳. یک ایماندار دارای قدرت روح قدوس خدا می‌باشد، اعمال ۱ آیه ۸. بگذارید این اعتراف ما، اعتراف حقیقت کلام باشد. در مرقس ۱۶ آیه ۱۶ می‌خوانیم: *اگر مارها را بگیرند و یا زهر بخورند به ایشان آسیبی نخواهد رسید. دستهای خود را بر بریضان خواهند گذاشت و آنان شفا خواهند یافت.* در اینجا می‌بینیم که ایمانداران می‌توانند بر بیماران دست گذاشته و آنها شفا یابند. قدرت خدا نیرویی است که قابل انتقال می‌باشد. یعنی بدین معنا که می‌تواند از یک فرد به فرد دیگر انتقال یابد. برای فهم اینمورد بگذارید تا مرقس ۲۴ الی ۳۱ را مطالعه کنیم: *...جمعیت فراوانی نیز به دنبال او رفتند. مردم از همه طرف به او هجوم می‌آوردند. در میان آنها زنی بود، که مدت دوازده سال مبتلا به خونریزی بود. او متحمل رنجهای زیادی از دست طبیبان بسیاری شده و با وجودی که تمام دارایی خود را در این راه صرف کرده بود، نه تنها هیچ نتیجه‌ای نگرفته بود، بلکه هر روز بدتر می‌شد. او در باره عیسی چیزهایی شنیده بود و به همین دلیل از میان جمعیت گذشت و پشت سر عیسی ایستاد. او با خود گفت: حتی اگر دست خود را به لباسهای او بزنم، خوب خواهم شد. پس لباس او را لمس کرد و خونریزی او فوراً قطع شد و در وجود خود احساس کرد، که دردش درمان یافته است. در همان وقت عیسی پی برد که، قوتی از او صادر شده است. به جمعیت نگاهی کرد و پرسید: چه کسی مرا لمس کرد؟ شاگردانش به او گفتند: مبینی که جمعیت زیادی به توفشار می‌آوردند پس چرا می‌پرسی چه کسی لباس مرا لمس کرد؟ خوب دقت کنید که در آیه ۳۰ خداوند متوجه می‌شود که قدرتی از او خارج شده - این قدرت به چه طریق از او خارج شد؟ می‌دانیم که این قدرت، قدرت شفا بوده چونکه به محض خارج شدن از او آن زن شفا یافت. حال سؤال اینجاست که این قدرت چطور از او خارج شد؟ توسط لمس کردن لباس او. پس با لمس می‌توانیم قدرت شفا را دریافت کرده یا انتقال بدهیم.**



برای خرید کتابمقدس به زبان فارسی با ما تماس حاصل نمایید
۱۵۲۵ - ۵۲۲ (۸۱۸) ۸۰۰۰ - ۶۸۱ (۹۴۹)